

## ۸۹، استیغای حقوق سماوی

عیسی مسیح آمد تا ما را از گناه نجات دهد ولی هدف او بیش از این بود. آمد تا برقراری حقوق حکومت آسمانی را و طرز رفع گناه را که خدا طرح کرده بود ثابت کند. شیطان ادعا می کرد که خدا مجبور است یا همه را اعدام کند یا همه را آزاد سازد. دلیلش این بود که خدا دستورهائی به بشر داده که غیر قابل اجرا هستند. توسط صلیب مسیح به تمام کائنات آسمان و زمین نشان داد که خود با انسان شدن و ضعفهای بشری را اختیار کردن، ممکن است عمر بی گناهی داشته باشد.

پولس رسول اصل موضوع را چنین بیان میکند: «شما باید همان طرز فکری را در پیش گیرید که مسیح داشت. او با اینکه ماهیت خدایی داشت، اما نخواست از اختیار و حق خدایی خود استفاده کند، بلکه قدرت و جلال خود را کنار گذاشت، و به شکل یک بنده در آمد، و شبیه انسانها شد، و حتی بیش از این نیز خود را فروتن ساخت، تا جایی که حاضر شد مانند یک تبهکار، بر روی صلیب اعدام شود.» (فیلیپیان ۲: ۵-۸).

در عدالت خود هرگز چیزی را از مخلوقات خود در خواست نمی کند که خود از انجام آن امتناع ورزد. «اما مسیح لعنتی را که در اثر گناهان ما بوجود آمده بود، بر خود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش "شریعت" پدید آورده بود، رهایی داد، روشی که انجامش غیر ممکن بود. بلی، مسیح لعنت ما را بر خود گرفت،

زیرا در تورات آمده است: "ملعون است هر که به دار آویخته شود." (عیسی مسیح نیز به دار صلیب آویخته شد). (علاطیان ۳:۱۳ و ۱۴).

از حملات شیطان بی خبر نمانید. وی هر فردی را بی وقفه، هر دقیقه دنبال می کند. او در هر خانواده رخنه می کند. در خیابانها و کوچه های شهرها، در معابد و مجالس روحانی و دادگاهها وارد شده مردم را فریب میدهد و جانهای مرد و زن و بچه ها را بمخاطره انداخته، خانواده ها را با نفرت و دعوی و قتل از هم جدا می کند. خیال نکنید که خدا عامل این دشمنیهاست، بلکه کار دشمن خداست. شیطان مردم را قانع کرده که باور کنند خدا مقصر تمام زحمات و بلاهاست. فرض کنید اگر شیطان در جدال عظیم برنده شده بود و ریاست دنیا را بعهدده خود گرفته بود - اگر شما فرمان و احکام وی را می شکستید، آیا او راضی و حاضر می شد جان خود را برای نجات شما تسلیم کند؟ خدا چنان طرحی ریخت تا عدالت ابدی خود را باثبات رساند و در عین حال فرصت نجات را برای خواستاران آن امکان پذیر سازد. مسیح به کائنات استدلال نمود که نجات توبه کاران ممکن و در به او

بسیارند. (اول تیموطاوس ۵:۲۴). وی نشان داد که گناه، انسان را از آفریننده خود جدا میکند ولی با قدیه ای چون مسیح شرعاً، اخلاقاً، و از حیث معنوی و روحی ممکن است توبه کار دوباره عضو خانواده آسمان گردد. وی گناهان ما را بعهدده خود گرفته شرعاً نابودشان نموده، توانائی زیست عاری از گناه و انحراف را بما عطا

میکنند.

وعدۀ خداوند توسط قلم نبی اطمینان ذیل را میبخشد: «آنگاه آب پاک بر شما خواهیم ریخت تا از بت پرستی و تمام گناهان دیگر پاک شوید. به شما دلی نازه خواهیم داد و روحی نازه در باطن شما خواهیم نهاد. دل سنگی و بی اطاعتی را از شما خواهیم گرفت و دلی نرم و مطیع به شما خواهیم داد. روح خود را در شما خواهیم نهاد تا احکام و قوانین مرا اطاعت نمایید.» (حزقیال ۳۶:۲۵-۲۷).

مسیح در پیشگاه داوری پیلاتس، والی روم، بوی اظهار داشت که «بلی، من برای همین منظور متولد شده ام، آمده ام تا حقیقت را به دنیا بیاورم، و تمام کسانی نکه حقیقت را دوست دارند از من پیروی می کنند.» (یوحنا ۱۸:۳۷). دعوت او هنوز شمول صلیب است. وی اضافه کرد:

«آنگاه عیسی به شاگردانش گفت: "هر که می خواهد مرید من باشد، باید خود را فراموش کند و صلیب خود را برداشته، مرا پیروی کند. زیرا هر که بخواهد جان خود را برای خود حفظ کند، آن را از دست خواهد داد، اما کسی که جانش را بخاطر من فدا کند، آن را دوباره بدست خواهد آورد. برای شما چه فایده ای دارد اگر تمام دنیا را داشته باشید، ولی زندگی جاوید را از دست بدهید؟ آیا چیزی پیدا می شود که قدر و قیمتش از زندگی جاوید بیشتر باشد؟ زیرا من با فرشتگان خود در شکوه و جلال پدرم خواهم آمد و هر کس را از روی اعمالش داوی خواهم کرد.» (متی ۱۶:۲۴-۲۷).

برداشتن صلیب یعنی نابودی رسوم و عادات جسمی سابق، و زیستن جیات  
نوبین که مطابق اراده و نقش پروردگار باشد. آیا این زندگی ممکن است؟ در برنامه  
بعدی یکی از جالبترین حکایتهای امانت و اطاعت را برایتان نقل خواهیم کرد.